بسم الله الرحمن الرحیم

بحث دیشب به اینجا رسید که امتحانات الهی متناسب با ویژگی ها و توانایی های ما می باشند. مقدمتا باید خدمت شما عرض کنم: اساسا دستورات خدای عالم ترکیبی از دستورات و امتحانات است؛ مثلا هنگامی که دستور به صبر و نماز داده می شود در ظرف زمانی و مکانی خاص و وضعیت خاص که امتحانی و ابتلایی خاص است به ما دستور داده می شود. تمام اوامر و نواحی خداوند همراه امتحانات است. چه خاص باشد و سطحی و عمیق و ... . لا یکلف الله نفس الا وسعها؛ یعنی هیچ تکلیفی خارج از توانایی نمی باشد که متناسب با امتحان ها می باشد. هر زمینی که به شما داده می شود که شما در آن بدوید متناسب با امتحان شما است. پول دارید یعنی شرایط امتحانی لازم را دارید و تکلیف هم همراه آن می آید.

توجه به گستره ی امتحان ها و توجه به توانایی خود برای امتحان ها

آیا ما توانایی برخورد با این امتحانات الهی را داریم؟ قضاوت ما در مورد توانایی های خودمان قضاوت خوبی نمی باشد. بلکه گاهی توسط شیطان رجیم اغوا می شویم و توانایی های خود را کمتر می پنداریم. امتحانات الهی کمی بالاتر از حد توانایی های بالفعل ما می باشد؛ چون می خواهد توانایی های بالقوه ما را بالفعل کند. «لا يَسَعُني اَرْضِي وَلا سَمائي و لَكِنْ يَسَعُني قَلْبُ عَبْدِي المُؤمِن»؛ کافی، ج 2، ص 128، ح 17. ولی قلب مؤمن جای من است. انسان چنین ظرفیتی دارد. بنا بر روایتی ابلیس از کنار موجودی رد می شود و می گوید که این کیه خدا می خواهد بیافریند؟ از همان اول مشخص بوده است که خداوند می خواسته این ماکت را به انسانی خالص تبدیل کند. معلوم است که از همان اول [ابلیس] با انسان دشمنی می ورزیده است. بسیاری از لذت ها را که خداوند از ما سلب می کند به این دلیل است که ظرفیت لذت بَری خود را افزایش دهیم تا در آن دنیا بتوانیم کاملا لذت ببریم و دلیل این زجر ها و یا پرداختن به آخرت و لذت نبردن مهم نمی باشد که ما فقط به آنها گوش کنیم. قرار نیست که همیشه ما در یک حد از لذت ها بهره ببریم بلکه می بایست با افزایش ظرفیت از آنها بهره ببریم. زجر ما مهم نیست بلکه ظرفیت ما مهم است و [باید به] شکوفا شدن و رسیدن به شگفتی این خلقت که و نفس و ما سواها [است] برسیم. خیلی ها یک درک ابتدایی از عبادت دارند و در همین حد می مانند و اطلاعاتی ندارند از لذت واقعی عبادت. ما باید ظرفیت خود را در لذت بردن هم افزایش دهیم. لذت بردن از خوابیدن چگونه می شود افزایش یابد؟ کسی که کنترل خواب خودش را دارد و با برنامه می خوابد. [کسی که] بین الطلوعین را نمی خوابد از خوابیدن لذت بیشتری می برد. هنگامی که ابلیس لذت نگاه حرام به انسان القا می کند نمی خواهد که به لذت دنیا برسی بلکه می خواهد کور کند چشمه ی لذت بردن تو را از این دنیا و آخرت را همچنین. کسی که زجری را به خود می دهد که چرا دشمنان دین از اسلام جلوتر باشد مانند شهید چمران که از جلوتر بودن دنیای کفر در زمینه ی علم زجر می کشیده است. خداوند هنگامی زجر را قبول می کند که زجر را در ظرفیت های بالاتری ببرد. و لذت هم از آن می برد و ثواب هم به او می دهد. مانند افطار کردن که هم لذت می دهد و هم ثواب می برد. امتحان توأم با رنج است. ظرفیت بالفعل امتحان الهی نداریم بلکه ظرفیت بالقوه این امتحانات را داریم. لازمه ی رشد همین امتحان گرفتن متناسب با ظرفیت های بالقوه است. ما نمی فهمیم که کدام ناراحتی برای ما مفید است و کدام مضر است. [اگر] محاسبه نفس بکنیم و معرفت نفس پیدا بکنیم، می توانیم از امتحانات الهی سر در آوریم. غرض امتحانات الهی را درک کنیم و جلوتر برویم تا در امتحانات پیروز تر باشیم و باعث رفع بلا شود احتمالاً. گاهی نماز خوب و متواضعانه خواندن و به خاک مالیدن دماغ که مستحب هم هست تکبر ما را می ریزد. البته تنها با این شرایط تکبر از بین نمی رود.

پیش صاحب نفسی کسی یک مشکلی را آورد و صاحب نفس با مشورت با قرآن گفت چند وقت پیش این [= فلان مسئله] را از اهل بیت خواسته بودی و برای رسیدن به آن باید این سختی ها را هم بکشی. هم نعمت و هم بلا امتحانی است و فرق و شباهت آنها هم مشخص است. در غرض امتحان که تأمل کنیم می فهمیم که کدام بٌعد ما را می خواهد رشد دهد. اولین امتحان خدا چه چیزهایی را می خواهد در ما رشد دهد؟ خدا بدش می آید که بنده ها با هم درد دل کنند. در روایت است که خداوند رو می کند به فرشتگان می گوید بنده ی من چگونه دلش می خواهد که خودش آبرویش را بریزد. زندگی بچه بازی شده است. همه هم با ادا بازی اخلاق (اخلاق یونانی که اسلامیزه شده است منظور است) تقوا را رها کرده ایم و این اخلاق را چسبیده ایم. خوب بودن مهم نیست بلکه خوب امتحان دادن مهم است. خداوند با همسر، انسان را امتحان می گیرد. همسرِ خوب کسی است که خداوند خوب از ما امتحان بگیرد. اینها که می گویم به این معنا نمی باشد که تلاشی برای انتخاب همسر انجام ندهیم. یکی از دلایلی که ما وضعیت طلاقمان زیاد است این است که نگاه امتحانی به زندگی نداریم و توجهی به آموزه های دینی نداریم.

وقتی [خداوند] حضرت آدم را خلق کرد ذریه ی حضرت آدم را در عالم ذر به او نشان داد و حضرت آدم فرمود چرا اینها با هم فرق می کنند و خداوند هم زندگی انسان را حول محور امتحان توضیح داد: فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كَذَلِكَ خَلَقْتُهُمْ لِأَبْلُوَهُمْ فِي كُلِّ حَالاتِهِمْ ... وَ إِنَّمَا خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُهُمْ لِأَبْلُوَكَ وَ أَبْلُوَهُمْ‏ أَيُّكُمْ‏ أَحْسَنُ عَمَلًا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي حَيَاتِكُمْ وَ قَبْلَ مَمَاتِكُمْ فَلِذَلِكَ خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ وَ الْحَيَاةَ وَ الْمَوْتَ وَ الطَّاعَةَ وَ الْمَعْصِيَةَ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ كَذَلِكَ أَرَدْتُ فِي تَقْدِيرِي وَ تَدْبِيرِي وَ بِعِلْمِيَ النَّافِذِ فِيهِمْ خَالَفْتُ بَيْنَ صُوَرِهِمْ وَ أَجْسَامِهِمْ وَ أَلْوَانِهِمْ وَ أَعْمَارِهِمْ وَ أَرْزَاقِهِمْ وَ طَاعَتِهِمْ وَ مَعْصِيَتِهِمْ»(کافی/2/9)

و لذلک خلقتکم لیبلوکم فی سراء و ضراء ...

امام صادق در کتاب المؤمن از پیامبر گرامی اسلام در آخر آن می فرمایند: امر دینهم الا ما الفاقه و المعصیه. بعضی از بندگان من جز با بیماری و فقر آدم نمی شوند اینها را من فقیر و مریض می کنم و اینطوری درستشان می کنم. در توحید صدوق : وَ إِنَ‏ مِنْ‏ عِبَادِيَ‏ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ‏ إِلَّا الْغِنَى وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ وَ إِنَ‏ مِنْ‏ عِبَادِيَ‏ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ‏ إِلَّا الْفَقْرُ وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ»

شبهه: اینطور که شما مطرح می کنید انگیزه ی رفع مشکل در او از بین می رود؟

به انگیزه های خودتان نگاه دیگری داشته باشید. نباید با مقدرات کاری کنید بلکه با انگیزه و توجه به دستورات خدا کاری انجام دهیم. به ما دستور داده که تلاش کنیم. اگر تلاش نکنید می گویم ببرندت جهندم !!! عبد به کسی می گوید که کاری به این کارها نداشته باشد. در انتخاب همسر هم وظیفه ی ما پرسش و تحقیق است، این دستور است. عبد یعنی اینکه فضول نباشی. اینکه یک بیل شکسته به شما داده اند که باغ را شخم بزنی، این به تو ربطی ندارد که چرا این شکسته است. می گوید آخه زمان بیشتری از ما می گیرد، جواب او این است که این زمان را هم خدا به تو داده است. [زمان تو برای مولایت است پس کاری نداشته باش، به دستوری که به تو داده شده است عمل کن]. اومانیزم بلایی به سر ما آورده است. [بعضی مواقع] با محاسبه ی نتیجه، کاری را انجام بده بعضی وقت ها هم بدون توجه به نتیجه کاری را انجام می دهی؛ مانند وظیفه ی امیرالمؤمنین در مقابل معاویه. اگر بناست که بلایی به سر ما آید ما باید به این فکر کنیم که باید تکلیفمان را انجام دهیم. دعای مادر از حضرت فاطمه: خدایا من را به کار بگیر در آن موضوعی که من را برای آن خلق کردی. ... فیه رزقا. یک منشی دلسوز مهربان و قدرتمند که منشی گری تو را می کند [می خواهی؟]. [اگر] عبد [باشی] خدا منشی گری شما را می کند. کارهایت را انجام می دهد و کارهایت را ردیف می کند. کار به جایی می رسد که به بنده می گوید بنده ی من تو چی دوست داری، جهان به آن سمت می رود! پس پاسخ این است که ما باید فعالیت های خود را متناسب با وظیفه های خود انجام دهیم. قرار نیست بعضی از مسائل را حل کنی، بستگی به وظایف دارد که کدام مسائل را حل کنیم و نیازی به حل تمامی مسائل نمی باشد. نیاز است که وظایف را بشناسیم.

**بازگشت به بحث**

ببین در چه بستری از امتحان قرار گرفته ایم متناسب با آن امتحان بده. گیرم که ثروت آید یا فقر آید. زمان امام صادق: به عبادت و بندگی خدا می پردازم که اگر کار و وظیفه ی خود را انجام ندهی خداوند رزق تو را زایل می کند. چه جامعه ای می شود جامعه ای که بندگان از سر وظایفشان کار انجام می دهند. همه کار می کنند از روی انجام وظیفه. هر چند کار کنی و ثروتمند نشدی این را از وظیفه می داند. گاهی فقط اِسممان دین دار است و جامعه ای که مبتنی بر وظیفه نباشد این جامعه ی دینی نمی باشد. البته وقتی امتحانات آورده می شود باید متناسب وظایف خود را بشناسیم. ما بیشتر از وظیفه به عهده نداریم. نباید بعضی وقت ها کاسه ی داغ تر از آش شویم. می خواهند همه را درست کنند. هنگامی که فضا فضای امتحانی باشد دیگر نتیجه هم گاهی مهم نمی باشد. گاهی امتحان تناسب با امتحان عمومی دارد؛ مانند امتحان جنگ که همه مشترک در این امتحان می شوند. ابلیس همان طور که به یک فرد همیشه می گوید تو نمی توانی از پس این امتحان برآیی و بندگان از زیر بار امتحان الهی فرار کنند و نمی خواهند باور کنند که برای رشد و اصلاح امتحان می شوند به جامعه هم می گوید تو نمی توانی. امام (ره) مکرر به جامعه ما نگاه می گرد و می فرمود ما می توانیم در حالی که احدی از سیاسیون باور نمی کردند. چون امام به امتحان بودن آن دقت داشتند. مانند جنگ صدام که فرمود ما می توانیم چون امتحان ما می باشد. چون خدا به اندازه ی ما از ما امتحان می گیرد. غلطی کردند و ما را محاصره ی اقتصادی کردند. این محاصره هم امتحان ما است و می توانیم از پس آن بر آییم؛ چون امتحان ما است. با تکنولوژی به جنگ ما آمدند، ما می توانیم به جنگ با آنها برویم. چون یک امتحان است. این نگاه دینی برآمده از جهان بینی ماست که خداوند از بالاتر از حد ظرفیت ما امتحان نمی گیرد. حضرت آقا به حزب الله گفت شما می توانید در مقابل اسرائیل بایستید چون امتحان آنها بود. چرا برخی به امام گفتند ما نمی توانیم جنگ را ادامه بدهیم. امام فرمودند که سؤال زیبایی است ولی آن را اکنون مطرح نکنید. کسی که این حرف را زده است صرف حرف زدن که نمی توان آن را قبول کرد بلکه می خواسته اند که صورت امتحان الهی را پاک کنند. امتحان ماست مقدمه سازی کنیم برای ظهور. اگر نکردیم ترک وظیفه کرده ایم و وظایف خود را نشناخته ایم. جهان انتظار دارد ما انقلاب خود را به کشورهای دیگر صادر کنیم. مدیر لایق می خواهد که از بین این جوانان لایق فیلم سازان خوب بسازد که تا کنون پدید نیامده است. مدیرانی می خواهد که این توانایی ها را از دل جامعه بیرون آورد. «ما می توانیم» یک شعار سیاسی نیست بلکه یک حقیقت دینی است. خدا وقتی امتحان می گیرد هم فرد را امتحان می گیرد و هم جامعه را. امر به معروف و نهی از منکر اول برای دانه درشت های جامعه است نه برای بی حجاب های داخل جامعه. ماهی از سر گنده گردد نه ز دم ... . أمیرالمؤمنین به برخی مانند ابوذر و کمیل را دستور می دهد که بدون امر او آب هم نخورند ولی مالک را می فرماید که هر دستوری که مالک داد آن دستور من است. مدیر در مقابل امتحانات الهی «ما نمی توانیم» نمی گوید. هشت سال دفاع مقدس مصداق بارزی از «ما می توانیم» بود که وقتی حضرت امام فواید جنگ را ذکر می فرماید فهرستی از توانایی هایی بود که در جامعه بروز پیدا کرد. رهبر معظم انقلاب هم بارها فرمودند که اقتصاد منهای نفت می توانیم. نمی خواهند!!! کسانی که از اقتصاد نفتی سود می برند نمی گذارند. هر قدرتی که از خود نشان دهیم خداوند ظرفیت ما را هم زیاد خواهد کرد. هر چه فشار آید استعدادهای خود را کشف می کنیم. مانند انرژی هسته ای که هر چه فشار آورند ما می توانیم خودمان تولید کنیم. دشمنان در مقابل «ما می توانیم» عاجز هستند. فقط سیستم بانکی ما اصلاح شود ما صدمه از سیستم های بانکی و دلاری بین المللی نمی خوریم. یک روزی می رسد که ما پای ظهور حضرت اشک بریزیم و می گوییم که ما می توانستیم که حضرت زود تر ظهور کند.